



Iranian Independent Islamic Human Rights Commission
کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران
لجنة حقوق الانسان الاسلاميه في ايران



حق بر انرژی در پرتو نسل‌های حقوق بشر و پیوند آن با حقوق مالکیت فکری

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

پائیز ۱۴۰۴

مقدمه توضیحی کمیسیون:

زمانی استعمارگران منابع انرژی کشورهای دیگر را غارت می کردند و سالها بر آنها تسلط داشتند بی آنکه صاحبان اصلی بتوانند منابع خود را در خدمت رشد و توسعه ملی قرار دهند. با شکل گیری و گسترش جنبش های استقلال طلبانه ملت ها و مبارزات وسیع علیه استعمارگری، با فراز و فرودهای خاص خود منابع انرژی در کشورهای مختلف ملی اعلام شد و ظاهراً دست غارتگران خارجی از سفره ملتهای دارنده این منابع کوتاه گردید اما پس از آن نیز طی ۷۰ سال گذشته قدرت های جهانی به شکل های مختلف تلاش کردند تا در قالب قراردادهای دویا چند جانبه نفوذ خود بر منابع انرژی کشورهای صاحب آن منابع را حفظ نموده و منافع نامشروع خود را استمرار بخشند.

به موازات این روندها در سطح جهانی، تحول مهم دیگری حادث شد و آن اینکه منابع انرژی که از طبیعت استخراج می شد به تدریج با محدودیت های متنوع مواجه شدند و در این وضعیت، نه تنها کشورهای دارنده منابع بلکه عموم جوامع کم یا بیش دریافتند که هم به عنوان یک انتخاب و هم به عنوان یک ضرورت و الزام باید به فکر منابع جایگزین به ویژه انرژی هایی بیفتند که آثار مخرب زیست محیطی نیز نداشته و تجدیدپذیر باشند. تلاش ها در این زمینه از برخی کشورها شروع شد و امروزه در سراسر دنیا مورد پیگیری قرار می گیرد. سطح موفقیت جوامع در این حوزه یکسان نیست. برخی کشورها جلوتر و بعضی عقب تر هستند. با همه این تحولات، موضوع انرژی پیوند گسترده ای با همه لایه های زندگی بشریت دارد. به همین علت، قدرت های بزرگ همواره تلاش می کنند تا بر منابع انرژی و فناوریهای جدید مربوط به انرژی های نو سیطره داشته باشند.

در عصری که موضوع ملی شدن انرژی و رهایی از سیطره استعمارگران شناخته شده مطرح بود، حقوقدانان با وجدان اغلب تلاش می کردند تا از منظر حقوقی، مطالبات نامشروع سیطره گران را رد کرده و مبانی و مستندات مربوط به حقوق ملی جوامع را تشریح و مورد دفاع قرار دهند چنانچه این تجربه در کشور خود ما در جریان ملی شدن صنعت نفت مشاهده شد. اما امروزه علاوه بر آن نوع از بحث ها، موضوع حقوق انرژی توسعه زیادی پیدا کرده آن گونه که خود جزو رشته های دانشگاهی در سطوح ارشد و دکترا در خیلی از کشورها شده است. علاوه بر این، مطالعات مربوط به انرژی به حوزه مباحث حقوق بشر نیز وارد شده و امروزه بحث حق بر انرژی یک عنوان تثبیت شده و دارای ابعاد مشخص حقوق و مسئولیت هاست.

پژوهش حاضر مروری بر همین بخش از موضوع دارد. نویسنده به پیشنهاد و تشویق امور پژوهشی کمیسیون این نوشتار را به تازگی برای ارائه به یک همایش علمی دانشگاهی در موضوع مالکیت فکری که کمیسیون نیز در بخشی از آن

مساعدت علمی داشت، تدوین نمود. نظر به اینکه مجریان همایش مزبور، سازوکاری برای انتشار مناسب مقالات همایش تعبیه نکرده بودند، مناسب دیده شد که این نوشتار از سوی خود کمیسیون در دسترس عموم قرار گیرد.

امید است در شرایطی که کشور ما با چالش‌های متنوع در حوزه انرژی و رفع نیازهای ملی خود روبروست و برنامه‌های مختلفی برای رشد و توسعه انرژی‌های نو در سراسر کشور در حال پیاده‌سازی است و در وضعیتی که صادرات نفت و سایر محصولات مرتبط با آن به علت زورگویی دولت جنایتکار آمریکا و سایر دول غربی متحد آمریکا با برخی موانع روبروست که این خود انواع مفاسد و مشکلات را به بار می‌آورد؛ و در زمانه‌ای که چالش‌های زیست محیطی ناشی از تغییرات اقلیم جامعه ما را همانند بسیاری جوامع دیگر با بحران‌هایی مواجه ساخته که حرکت به سمت انرژی‌های نو ضرورتی اجتناب‌ناپذیر گشته است، همه تلاش کنیم اطلاعات و آگاهی‌های خود را در حوزه انرژی ارتقا دهیم و سهم خویش را در رعایت حق بر انرژی بدرستی ایفا کنیم. وقتی حق بر انرژی متعلق به همه افراد در نسل کنونی و نسل‌های آتی تلقی شد ما نمی‌توانیم براحتی به حقوق دیگران تجاوز کرده و مرتکب انواع اسراف‌ها، اتلاف منابع انرژی یا مفت‌خوری و مفت‌فروشی و دیگر پدیده‌های منفی ذیربط گردیم.

امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

آذرماه ۱۴۰۴

♦ نویسنده: سالار درویشی، دانش‌پژوه دکترای حقوق و همیار افتخاری کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران
ویرایش و نهایی‌سازی نوشتار: امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، آذرماه ۱۴۰۴
♦ شناسه متن: ۰۴/۳/۳۱۱

هر گونه نقل مطالب گزارش حاضر یا باز نشر جزئی یا کلی آن با ذکر ماخذ و رعایت استناد به امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، مجاز است.

امور پژوهشی کمیسیون از هر گونه نظر و پیشنهاد مخاطبان ارجمند به ویژه صاحب‌نظران و کارشناسان محترم در راستای ارتقای تلاش‌ها استقبال می‌کند. مشارکت در فعالیت‌های عام‌المنفعه نیز برای همه میسر است.

www.ihrc.ir

حق بر انرژی در پرتو نسل های حقوق بشر و پیوند آن با حقوق مالکیت فکری

سالار درویشی^۱

چکیده

انرژی به عنوان زیربنای حیات اقتصادی، اجتماعی و فناورانه بشر، امروزه از جایگاه صرفاً اقتصادی فراتر رفته و به عنوان حق بشری بنیادین در ادبیات بین المللی شناخته می شود. «حق بر انرژی» نه تنها شرط تحقق توسعه پایدار و عدالت اجتماعی است، بلکه به منزله ی بستر مادی تحقق سایر حقوق بشر - نظیر حق بر آموزش، سلامت و مسکن - عمل می کند. از منظر تاریخی، این حق را می توان در امتداد سه نسل حقوق بشر تحلیل کرد؛ از تضمین های سلبی عدم دخالت دولت در قبال حقوق افراد، مطرح در نسل نخست (حق حیات و مالکیت)، تا تعهدات ایجابی نسل دوم (حق کار، رفاه و بهداشت)، و سرانجام، همبستگی جهانی نسل سوم (حق بر توسعه و محیط زیست سالم).

در عین حال، رابطه حق بر انرژی با حقوق مالکیت فکری یکی از چالش های نوپدید حقوق بشر در قرن بیست و یکم است. نظام های انحصاری مالکیت فکری، به ویژه در زمینه فناوری های انرژی نو و تجدیدپذیر، می توانند مانع تحقق دسترسی عادلانه کشورها و جوامع به منابع انرژی شوند. بنابراین، توازن میان حمایت از نوآوری و تضمین دسترسی عمومی به انرژی، از الزامات اساسی عدالت بین المللی در عصر گذار انرژی است.

این مقاله با رویکردی تطبیقی و تحلیلی، درصدد تبیین جایگاه «حق بر انرژی» در سه نسل حقوق بشر و بررسی نسبت آن با حقوق مالکیت فکری است. هدف نهایی، ارائه ی الگویی حقوقی برای تلفیق عدالت انرژی، آزادی نوآوری و همبستگی جهانی در پرتو اسناد بین المللی و مبانی فقه اسلامی می باشد.

کلیدواژه ها: حق بر انرژی، حقوق بشر، مالکیت فکری، انرژی تجدیدپذیر، عدالت انرژی، حق توسعه، فناوری پاک

^۱ . دانش آموخته دکترای حقوق نفت و گاز دانشگاه تهران .

نویسنده بر خود فرض میداند از امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران که مشوق انجام این تحقیق بوده و با حمایت های علمی و مشورتی مفید، زمینه ارتقای سطح پژوهش را فراهم ساختند، صمیمانه تقدیر و تشکر نماید.

مقدمه

در دوران معاصر، انرژی دیگر صرفاً یک کالای اقتصادی یا منبع طبیعی نیست، بلکه به عنصر بنیادین حیات مدرن و شاخصی از عدالت جهانی تبدیل شده است. وابستگی متقابل میان دسترسی به انرژی و تحقق حقوق بشر، سبب شده است که جامعه بین‌المللی مفهوم تازه‌ای را با عنوان حق بر انرژی وارد گفتمان حقوق بشر نماید.

حق بر انرژی به عنوان حقی از نسل سوم حقوق بشر، تجلی هم‌زمان سه بُعد توسعه پایدار است: رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی و حفاظت از محیط زیست. این حق، به‌ویژه برای کشورهای در حال توسعه، نه تنها ابزار رفع فقر و شکاف فناوری است، بلکه پایه‌ی استقلال سیاسی و امنیت انرژی ملی نیز محسوب می‌شود.

با وجود این، تحقق حق بر انرژی با چالش‌های چندگانه‌ای روبه‌روست، از جمله نابرابری ساختاری در دسترسی به فناوری‌های انرژی پاک و وابستگی شدید نظام جهانی انرژی به سوخت‌های فسیلی، تعادل زیست‌محیطی و عدالت بین‌نسلی را تهدید می‌کند. همچنین نظام‌های سخت‌گیرانه مالکیت فکری در حوزه فناوری‌های انرژی، مانع انتقال دانش و توسعه فناوری در کشورهای جنوب جهانی شده‌اند.

از این رو، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این پرسش‌های اساسی است:

۱. حق بر انرژی چه جایگاهی در میان نسل‌های سه‌گانه حقوق بشر دارد؟

۲. رابطه‌ی این حق با حقوق مالکیت فکری در عرصه‌ی بین‌المللی چگونه تبیین می‌شود؟

۳. چه سازوکارهای حقوقی می‌توانند میان نوآوری فناورانه و عدالت انرژی توازن برقرار کنند؟

بررسی حاضر بر این فرض استوار است که حق بر انرژی در هر سه نسل حقوق بشر ریشه دارد: در نسل اول از حیث حق حیات و مالکیت، در نسل دوم از منظر عدالت اقتصادی و اجتماعی، و در نسل سوم از جهت حق بر توسعه و همبستگی جهانی. همچنین، این حق در تعامل با نظام مالکیت فکری می‌تواند مبنای شکل‌گیری «عدالت فناورانه» در دسترسی به انرژی‌های نو باشد.

مبحث اول: مفهوم انرژی، انرژی‌های نو و تجدیدپذیر و تمایز «حق بر انرژی» از «حقوق انرژی»

۱. تعریف و ماهیت انرژی در نظام حقوق بین الملل

در علم فیزیک، انرژی مفهومی بنیادین است که به توانایی انجام کار تعبیر می‌شود، اما در قلمرو حقوق بین الملل، انرژی صرفاً یک پدیده مادی نیست، بلکه به مثابه‌ی «منع حیات اجتماعی و اقتصادی بشر» تلقی می‌شود. انرژی، اعم از فسیلی یا تجدیدپذیر، شرط لازم برای تحقق توسعه، رفاه و حتی بقاء جوامع انسانی است. به همین جهت، از دهه ۱۹۷۰ به بعد، موضوع انرژی به تدریج وارد ادبیات حقوق بشر و توسعه شد و ارتباط آن با حق بر زندگی و رفاه مورد توجه نهادهای بین المللی قرار گرفت.^۲

در سند «دستور کار ۲۰۳۰ توسعه پایدار» سازمان ملل متحد، دسترسی به انرژی پاک و مقرون به صرفه به عنوان هدف هفتم توسعه پایدار شناخته شده است (Affordable and Clean Energy) که بر پیوند میان انرژی و حقوق بشر به ویژه در زمینه فقر، سلامت و آموزش تأکید دارد. این تحول مفهومی، انرژی را از جایگاه صرفاً اقتصادی خارج و به جایگاهی حقوقی و انسانی ارتقا داده است.

۲. انرژی تجدیدپذیر و انرژی نو: تمایز مفهومی

در ادبیات حقوق بین الملل انرژی، دو اصطلاح غالب وجود دارد که نباید با یکدیگر خلط شوند: «انرژی تجدیدپذیر» (Renewable Energy) و «انرژی نو» (New or Innovative Energy).

الف) انرژی تجدیدپذیر

به منابعی اطلاق می‌شود که به صورت طبیعی و مداوم بازتولید می‌شوند؛ مانند انرژی خورشیدی، بادی، زمین گرمایی و هیدروالکتریک. ویژگی اصلی این منابع، پایداری و عدم وابستگی به منابع پایان پذیر فسیلی است. نظام حقوق بین الملل محیط زیست بر استفاده پایدار از این منابع تأکید دارد، زیرا بهره‌برداری از آنها به تحقق حق بر محیط زیست سالم و حق توسعه کمک می‌کند.^۴

ب) انرژی نو

^۲. Vasak, K., "Human Rights: A Thirty-Year Struggle", UNESCO Courier, 1977, p. 29.

^۳. United Nations, Transforming Our World: The 2030 Agenda for Sustainable Development, UNGA Res. 70/1, 2015, Goal 7.

^۴. Kiss, A. & Shelton, D., Guide to International Environmental Law, Brill, 2007, p. 112.

شامل فناوری‌ها و روش‌های نوین تولید، ذخیره‌سازی و بهره‌برداری از انرژی است که ممکن است تجدیدپذیر باشند یا نباشند. مصادیقی چون فناوری هیدروژن سبز، انرژی زیست‌توده پیشرفته، توربین‌های بادی هوشمند و شبکه‌های هوشمند انرژی (Smart Grid) در این دسته قرار می‌گیرند.^۵

اهمیت این حوزه در پیوند آن با «حقوق مالکیت فکری» است؛ زیرا انتقال فناوری و اشتراک دانش در زمینه انرژی‌های نو، مستقیماً تحت تأثیر رژیم‌های بین‌المللی مالکیت فکری (نظیر موافقت‌نامه تریپس) قرار دارد.^۶

۳. تمایز میان «حق بر انرژی» و «حقوق انرژی»

اگرچه در ظاهر این دو اصطلاح نزدیک به هم‌اند، اما از نظر ماهیت و قلمرو تفاوت اساسی دارند.

الف) حق بر انرژی: (Right to Energy)

مفهومی حقوق بشری است که به هر فرد و جامعه حق می‌دهد از انرژی ایمن، پایدار و قابل دسترسی بهره‌مند شوند. این حق ناظر به عدالت اجتماعی، فقرزدایی و توسعه پایدار است و در زمره حقوق نسل سوم بشر قرار دارد.^۷

ب) حقوق انرژی: (Energy Law)

شاخه‌ای از حقوق عمومی و خصوصی است که به تنظیم فعالیت‌های مربوط به اکتشاف، استخراج، انتقال، توزیع و مصرف انرژی می‌پردازد. این شاخه بیشتر جنبه فنی و اقتصادی دارد و از حیث ماهیت، با حقوق سرمایه‌گذاری، قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز و سیاست‌گذاری انرژی پیوند دارد.^۸ به عبارت دیگر، «حق بر انرژی» بیانگر یک مطالبه‌ی انسانی است، در حالی که «حقوق انرژی» چارچوب نهادی و مقرراتی برای مدیریت منابع و فعالیت‌های انرژی است. تمایز میان این دو، مشابه تفاوت میان «حق بر سلامت» و «حقوق بهداشت» است؛ اولی غایت انسانی و دومی ابزار اجرایی آن محسوب می‌شود.^۹

^۵. Sova cool, B.K., Energy and Ethics: Justice and the Global Energy Challenge, Palgrave, 2013, p. 64.

^۶. Abbott, F.M., Innovation and Access to Clean Energy Technologies: The TRIPS Agreement and Climate Change, ICTSD, 2017, p. 45.

^۷. نادری، سیدمصطفی، «حق بر انرژی پایدار در نظام حقوق بین‌الملل محیط زیست»، فصلنامه حقوق محیط زیست، سال ۱۴۰۱، ص ۴۵.

^۸. موسوی، علی‌رضا، حقوق بین‌الملل انرژی، انتشارات میزان، ۱۳۹۹، ص ۸۱.

^۹. Now rot, K., "Energy as a Human Right?", Human Rights Review, Vol. 22, 2021, p. 93.

مبحث دوم: حق بر انرژی در منظومه نسل‌های سه‌گانه حقوق بشر

۱. نسل اول حقوق بشر: آزادی‌های بنیادین و خاستگاه حق بر انرژی

نسل نخست حقوق بشر در ادبیات تخصصی بین‌المللی معاصر، که از آن به‌عنوان «حقوق مدنی و سیاسی» یاد می‌شود، نتیجه‌ی جنبش‌های آزادی‌خواهانه قرن هجدهم، به‌ویژه انقلاب فرانسه (۱۷۸۹) و استقلال آمریکا (۱۷۷۶) است.^{۱۱} این نسل از حقوق، بر استقلال فرد از دولت و محدود کردن اقتدار سیاسی تمرکز دارد. اصل اساسی در این دوره، «رهایی انسان از سلطه دولت» بود و نه الزام دولت به اقدام ایجابی. از همین رو، حقوق این نسل غالباً سلبی یا منفی توصیف می‌شوند؛ یعنی دولت موظف است از مداخله در آزادی‌های فردی خودداری کند.^{۱۲}

در این چارچوب، مفاهیمی چون آزادی بیان، حق مالکیت، حق حیات و امنیت شخصی از مهم‌ترین مصادیق نسل نخست محسوب می‌شوند. از منظر تحلیلی، حق بر انرژی به‌طور غیرمستقیم در این نسل ریشه دارد، زیرا «دسترسی به انرژی ایمن و کافی» لازمه‌ی تحقق بسیاری از این آزادی‌هاست. به‌عنوان مثال، حق حیات بدون تضمین دسترسی به انرژی حیاتی (برای گرمایش، تغذیه، درمان و حمل‌ونقل) عملاً بی‌اثر می‌شود. از سوی دیگر، حق مالکیت نیز در صورتی تحقق می‌یابد که افراد بتوانند از منافع حاصل از انرژی به‌صورت عادلانه بهره‌مند شوند.^{۱۳} بنابراین، حق بر انرژی در نسل نخست، به‌صورت ضمنی و در قالب مفاهیم کلاسیکی چون حق حیات و مالکیت مطرح است؛ گرچه در آن زمان هنوز به‌عنوان یک حق مستقل شناسایی نشده بود.

۲. نسل دوم حقوق بشر: حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تکوین حق بر انرژی

پس از جنگ جهانی دوم، جهان با بحران‌هایی چون فقر، بیکاری و فروپاشی نظام‌های رفاهی مواجه شد. این وضعیت موجب شد جامعه بین‌المللی دریابد که تحقق آزادی‌های فردی بدون تأمین نیازهای اساسی ممکن نیست. بدین ترتیب، نسل دوم حقوق بشر با محوریت «عدالت اجتماعی» و «رفاه اقتصادی» شکل گرفت.^{۱۴} در این نسل، دولت‌ها موظف به

^{۱۱}: Donnelly, J., *Universal Human Rights in Theory and Practice*, Cornell Univ. Press, 2013, p. 24.

^{۱۲}: Cranston, M., *What Are Human Rights?*, Bodley Head, 1973, p. 39.

^{۱۳}: Beitz, C., *The Idea of Human Rights*, Oxford Univ. Press, 2009, p. 67

^{۱۴}: Vasak, K., *UNESCO Courier*, 1977, p. 32.

انجام اقدامات ایجابی برای تضمین حقوقی همچون آموزش، سلامت، کار، مسکن و تغذیه‌اند. این حقوق جنبه‌ی "ایجابی" دارند؛ یعنی تحقق آن‌ها مستلزم تعهد فعال دولت‌هاست، نه صرف خودداری از مداخله.

در چنین بستری، حق بر انرژی به عنوان "شرط مادی تحقق حقوق اقتصادی و اجتماعی" مطرح می‌شود. آموزش بدون برق و فناوری، سلامت بدون سوخت یا انرژی حرارتی، و اشتغال صنعتی بدون دسترسی به انرژی ممکن نیست. بدین ترتیب، حق بر انرژی در نسل دوم، به عنوان ابزار تحقق دیگر حقوق اقتصادی و اجتماعی شناخته می‌شود.^{۱۴} سند مهمی که این نگرش را نهادینه کرد، «میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» (۱۹۶۶) است که در مواد ۱۱ و ۱۲، دولت‌ها را مکلف به تأمین سطحی از زندگی شایسته، بهداشت و رفاه می‌کند. از این مواد، تفسیر موسع «حق بر انرژی» نیز قابل استخراج است، چرا که بدون انرژی، زندگی شایسته و رفاه انسانی تحقق نمی‌یابد.^{۱۵}

۳. نسل سوم حقوق بشر: حقوق همبستگی و ظهور حق بر انرژی به عنوان حق بشری مستقل

نسل سوم حقوق بشر در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی در واکنش به چالش‌های جهانی چون استعمار نو، بحران انرژی، آلودگی محیط زیست و توسعه‌نیافتگی مطرح شد.^{۱۶} در این مرحله، نگاه از سطح فردی و ملی فراتر رفت و به "حقوق جمعی و جهانی" معطوف شد؛ حقوقی چون حق بر توسعه، صلح، محیط زیست سالم و میراث مشترک بشریت. این نسل از حقوق، بر همبستگی بین‌المللی و مسئولیت مشترک دولت‌ها تأکید دارد. حق بر انرژی در این نسل جایگاه مستقلی می‌یابد، زیرا دسترسی به انرژی پایدار و پاک، شرط تحقق حقوق جمعی و توسعه پایدار است. انرژی به عنوان کالایی جهانی، مرز سیاسی نمی‌شناسد و عدالت در توزیع آن مستلزم همکاری بین‌المللی است.

در واقع، حق بر انرژی، تجلی وحدت میان سه مؤلفه‌ی بنیادین نسل سوم حقوق بشر است:

۱. حق بر توسعه (بیانیه ۱۹۸۶ مجمع عمومی سازمان ملل)،

۲. حق بر محیط زیست سالم،

^{۱۴} Nussbaum, M., *Creating Capabilities: The Human Development Approach*, Harvard Univ. Press, 2011, p. 95.

^{۱۵} International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, 1966, Arts. 11–12.

^{۱۶} United Nations, Declaration on the Right to Development, UNGA Res. 41/128, 1986.

۳. حق بر بهره‌مندی از منابع مشترک طبیعی.^{۱۷}

با توجه به این ویژگی‌ها، حق بر انرژی امروزه نه تنها در اسناد بین‌المللی محیط زیست و توسعه، بلکه در رویه‌ی دولت‌ها و تصمیمات سازمان‌های منطقه‌ای نیز در حال تثبیت است. اتحادیه اروپا، کمیسیون آفریقا و شورای حقوق بشر سازمان ملل در دهه اخیر، بر ضرورت «دسترسی عادلانه به انرژی» به عنوان یک حق بشری تأکید کرده‌اند.^{۱۸}

مبحث سوم: جایگاه و اهمیت «حق بر انرژی» در توسعه، عدالت اجتماعی و محیط زیست

۱. بُعد اقتصادی و توسعه‌ای

انرژی، زیربنای تمام فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی است. در جهان امروز، هیچ شاخص توسعه‌ای بدون دسترسی پایدار به انرژی معنا ندارد. حق بر انرژی از این منظر، نه فقط یک مطالبه اجتماعی بلکه یک پیش‌نیاز توسعه پایدار و عدالت اقتصادی است.^{۱۹}

مطابق آمار بانک جهانی، بیش از ۷۷۰ میلیون نفر در جهان هنوز از دسترسی به برق محروم‌اند.^{۲۰} این نابرابری در دسترسی، به معنای تداوم فقر ساختاری و محرومیت از سایر حقوق بنیادین است. از همین رو، هدف هفتم از اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد، دسترسی همگان به انرژی پاک و مقرون به صرفه را از الزامات دستیابی به عدالت توسعه‌ای دانسته است.^{۲۱}

حق بر انرژی در بُعد اقتصادی، ارتباط مستقیم با حق بر توسعه دارد. بیانیه ۱۹۸۶ سازمان ملل در خصوص حق توسعه، در بند ۱ اعلام می‌دارد که: «حق توسعه، حقی ذاتی برای هر انسان و ملت است تا در فرآیندی مشارکتی، منصفانه و برابر از منافع توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بهره‌مند گردد.»^{۲۲} آذر تفسیر جدید این بند، انرژی به عنوان زیربنای

^{۱۷} Kiss, A. & Shelton, D., Guide to International Environmental Law, Brill, 2007, p. 108.

^{۱۸} Human Rights Council, Resolution on Human Rights and Access to Energy, UN Doc. A/HRC/47/L.10, 2021.

^{۱۹} Sachs, J.D., The Age of Sustainable Development, Columbia Univ. Press, 2015, p. 82.

^{۲۰} World Bank, Tracking SDG 7: Energy Progress Report, 2022

^{۲۱} United Nations, Sustainable Development Goals Report, 2022, Goal 7.

^{۲۲} United Nations, Declaration on the Right to Development, UNGA Res. 41/128, 1986.

توسعه تلقی شده است. بدون انرژی، تولید صنعتی، زیرساخت‌های حمل و نقل و حتی فناوری اطلاعات فلج خواهد شد؛ و این یعنی فقدان توسعه انسانی.

۲. بُعد اجتماعی و عدالت توزیعی

دسترسی برابر به انرژی، رکن بنیادین عدالت اجتماعی است. اگر تنها طبقات مرفه و مناطق توسعه یافته از انرژی بهره‌مند شوند، فقر انرژی (Energy Poverty) به شکلی از تبعیض ساختاری بدل می‌شود. در گزارش برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) در سال ۲۰۲۰ تأکید شده است که «فقر انرژی، یکی از بزرگ‌ترین موانع تحقق عدالت اجتماعی و جنسیتی در کشورهای در حال توسعه است».^{۲۳}

از منظر حقوقی، فقر انرژی نوعی نقض «حق بر زندگی شایسته» است، چراکه آموزش، بهداشت، مسکن و امنیت بدون انرژی پایدار قابل تحقق نیست. در این معنا، حق بر انرژی نه فقط از جنس حقوق اقتصادی بلکه حق اجتماعی است که با کرامت انسانی گره خورده است.^{۲۴}

از منظر فقه اسلامی نیز اصل عدالت و توازن اجتماعی، مؤید چنین حقی است. قاعده‌ی «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» و اصل «توزیع عادلانه منابع طبیعی» که در فقه شیعه سابقه دارد، مبنای فقهی حق بر انرژی را تشکیل می‌دهد.^{۲۵} واقع، فقه اسلامی به صراحت تصریح می‌کند که منابع طبیعی متعلق به عموم مسلمانان است و دولت تنها نقش امانت‌دار را دارد (قاعده‌ی «انفال» و «حق عموم در منابع طبیعی»). بر این اساس، هرگونه انحصار یا تبعیض در دسترسی به انرژی، مغایر با اصول عدالت اسلامی است.^{۲۶}

۳. بُعد محیط زیستی و عدالت بین‌نسلی

^{۲۳} UNDP, Human Development Report 2020, p. 144.

^{۲۴} Beitz, C., The Idea of Human Rights, Oxford Univ. Press, 2009, p. 119.

^{۲۵} موسوی بجنوردی، سیدمحمد، قواعد فقه، ج ۴: لا ضرر و لا ضرار، قم، دارالفکر، ۱۳۸۸، ص ۷۲.

^{۲۶} محقق داماد، مصطفی، حقوق محیط زیست در فقه اسلامی، انتشارات سمت، ۱۳۹۷، ص ۴۵.

تحقق حق بر انرژی نباید به بهای تخریب محیط زیست و نقض حقوق نسل‌های آینده باشد. توسعه بی‌رویه انرژی‌های فسیلی، از علل اصلی تغییرات اقلیمی و آلودگی جهانی است. در همین راستا، کنفرانس ریو (۱۹۹۲) و موافقت‌نامه پاریس (۲۰۱۵) بر لزوم گذار به انرژی‌های پاک تأکید کرده‌اند.^{۲۷}

از منظر حقوق بین‌الملل محیط زیست، حق بر انرژی با اصل توسعه پایدار (Sustainable Development) و اصل احتیاط (Precautionary Principle) پیوند خورده است. یعنی دولت‌ها باید در سیاست‌های انرژی خود، میان نیازهای کنونی و ظرفیت‌های طبیعی نسل‌های آینده توازن برقرار کنند.^{۲۸}

حق بر انرژی پایدار، مصداق عینی «عدالت بین‌نسلی» است؛ به این معنا که نسل حاضر حق ندارد از منابع انرژی به گونه‌ای استفاده کند که امکان بهره‌مندی نسل‌های بعدی را از میان ببرد. کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه در گزارش معروف خود (گزارش برانتلند، ۱۹۸۷) تأکید کرده است که «انرژی‌های تجدیدپذیر، حلقه اتصال میان عدالت محیط زیستی و عدالت توسعه‌ای‌اند».^{۲۹}

در فقه اسلامی نیز اصل «خلافت انسان بر زمین» و مفهوم «امانت الهی در منابع طبیعی» (بر پایه آیه *إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً* - بقره، ۳۰)، مبنای مسئولیت زیست‌محیطی انسان را بیان می‌کند. بنابراین، بهره‌برداری بی‌رویه از منابع انرژی، نقض تعهد انسان به حفظ مخلوقات و محیط زیست الهی است.^{۳۰}

مبحث چهارم: پیوند میان «حق بر انرژی» و «حقوق مالکیت فکری»

۱. مالکیت فکری در نظام حقوق بشر و حقوق خصوصی

^{۲۷} United Nations Framework Convention on Climate Change (UNFCCC), 1992; Paris Agreement, ۲۰۱۵.

^{۲۸} Kiss, A. & Shelton, D., Guide to International Environmental Law, Brill, 2007, p. 125.

^{۲۹} World Commission on Environment and Development (WCED), Our Common Future, Oxford Univ. Press, 1987, p. 54.

^{۳۰} طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق، ص ۲۳۵.

در نظام حقوقی کلاسیک، مالکیت فکری (Intellectual Property) زیرمجموعه‌ای از حقوق خصوصی است که به پدیدآورندگان آثار فکری - اعم از اختراعات، آثار ادبی و هنری یا علائم تجاری - حق انحصاری بهره‌برداری از دستاورد خود را می‌دهد.^{۳۱}

در این چارچوب، مالکیت فکری عمدتاً ابزاری اقتصادی برای "تشویق به نوآوری و رقابت سالم" تلقی می‌شود. اما با تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸، بُعد انسانی این حق نیز شناسایی شد. ماده‌ی ۲۷ اعلامیه، دو بند اساسی دارد:

بند نخست به حق هر شخص برای مشارکت در زندگی فرهنگی و بهره‌مندی از پیشرفت علمی اشاره می‌کند، و بند دوم حق پدیدآورنده را در حمایت از منافع مادی و معنوی آثارش به رسمیت می‌شناسد.^{۳۲} از منظر فلسفه‌ی حقوق، این دو بند میان حق بر بهره‌مندی عمومی از دانش و حق خصوصی پدیدآورنده تعادل برقرار می‌کنند. بنابراین، «حق بر مالکیت فکری» در سطح بین‌المللی یک حق دوجبه‌ای است: هم فردی و هم جمعی.

۲. تأثیر نظام‌های مالکیت فکری بر تحقق حق بر انرژی

نظام مالکیت فکری، به‌ویژه در حوزه‌ی فناوری‌های انرژی‌های نو و تجدیدپذیر، تأثیر مستقیم بر تحقق حق بر انرژی دارد. اختراعات مربوط به سلول‌های خورشیدی، توربین‌های بادی، باتری‌های لیتیومی یا فناوری هیدروژن، عمدتاً در مالکیت شرکت‌های بزرگ چندملیتی است. این وضعیت، نوعی "انحصار فناورانه" ایجاد کرده که مانع انتقال فناوری به کشورهای در حال توسعه می‌شود.^{۳۳}

طبق گزارش سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO) در سال ۲۰۲۱، بیش از ۸۰٪ ثبت اختراعات حوزه انرژی‌های پاک متعلق به کشورهای سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD) است.^{۳۴} از منظر حقوق بشر، چنین انحصاری با اصل عدالت و حق بر توسعه در تعارض است، زیرا دسترسی برابر ملت‌ها به فناوری را محدود می‌کند.

^{۳۱}. درویش، محمدرضا، حقوق مالکیت فکری و فناوری، انتشارات سمت، ۱۳۹۸، ص ۳۱.

^{۳۲} Universal Declaration of Human Rights, 1948, Art. 27.

^{۳۳} Abbott, F.M., Innovation and Access to Clean Energy Technologies, ICTSD, Geneva, 2017, p. 47.

^{۳۴} WIPO, World Intellectual Property Indicators, 2021, p. 76.

در اینجا موافقت‌نامه تریپس (TRIPS) مصوب ۱۹۹۴ سازمان تجارت جهانی نقش محوری دارد. ماده‌ی ۷ این موافقت‌نامه هدف نظام مالکیت فکری را «ترویج نوآوری و انتقال و اشاعه فناوری به نفع رفاه متقابل تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان» اعلام می‌کند. اما در عمل، بسیاری از حقوق‌دانان معتقدند که نظام تریپس بیشتر به نفع صاحبان فناوری عمل کرده تا کشورهای نیازمند.^{۳۵}

به تعبیر «پیتر دراهوس»، این وضعیت باعث شده میان حق بر انرژی پایدار و حق مالکیت فکری تعارضی ساختاری شکل بگیرد؛ جایی که حمایت بیش از حد از انحصار، مانع تحقق عدالت انرژی می‌شود.^{۳۶}

۳. ضرورت توازن میان حمایت از نوآوری و عدالت انرژی

برای رفع این تعارض، باید توازنی میان حمایت از نوآوری و تضمین دسترسی عادلانه به انرژی برقرار شود. ماده‌ی ۸ موافقت‌نامه تریپس، دولت‌ها را مجاز می‌داند که برای حفظ منافع عمومی، از جمله سلامت و محیط زیست، در حقوق انحصاری محدودیت‌هایی ایجاد کنند.^{۳۷}

از همین مبنا می‌توان نتیجه گرفت که حق بر انرژی نیز، همانند حق بر سلامت، می‌تواند موجب تحدید نسبی حقوق مالکیت فکری شود.

تجربه‌ی نظام دارویی جهان در مواجهه با بحران اچ‌آی‌وی در دهه ۱۹۹۰ نمونه‌ی مشابهی است؛ جایی که مجمع عمومی سازمان ملل، با تصویب «اعلامیه دوحه در خصوص تریپس و سلامت عمومی» (۲۰۰۱)، تصریح کرد که حقوق مالکیت فکری نباید مانع دسترسی کشورهای به داروهای حیاتی شود.^{۳۸}

امروزه بسیاری از حقوق‌دانان پیشنهاد کرده‌اند که «مدل دوحه» به حوزه‌ی انرژی نیز تسری یابد و «اعلامیه دوحه برای انرژی پایدار» تدوین شود تا دولت‌ها بتوانند فناوری‌های حیاتی انرژی پاک را بدون نقض حقوق بشر منتقل کنند.^{۳۹}

^{۳۵} WTO, Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS), 1994, Art. 7.

^{۳۶} Drahos, P., Intellectual Property, Climate Change and Technology Transfer, Edward Elgar, 2017, p. 122.

^{۳۷} Ibid., Art. 8.

^{۳۸} WTO, Doha Declaration on TRIPS and Public Health, 2001.

^{۳۹} Morgera, E., Energy Justice and Human Rights, Oxford Univ. Press, 2020, p. 145.

از سوی دیگر، در فقه اسلامی نیز اصل «منع احتکار» و قاعده‌ی «حق عموم در منافع عمومی» (قاعده‌ی مباحات عامه) مانع از آن است که منافع حیاتی چون انرژی در انحصار اشخاص یا دولت‌های خاص قرار گیرد. منابعی چون آفتاب، باد و آب از منظر فقهی، «أنفال» محسوب شده و بهره‌مندی عمومی از آن حق همه‌ی انسان‌هاست.^{۴۰} بنابراین، هم از منظر حقوق بین‌الملل و هم از دیدگاه فقه اسلامی، هرگونه نظام انحصاری که مانع تحقق عدالت انرژی شود، با اصول بنیادین حقوق بشر در تعارض است.

۴. راهکارهای پیشنهادی برای تلفیق حق بر انرژی و حقوق مالکیت فکری

برای ایجاد توازن واقعی میان این دو نظام حقوقی، می‌توان پیشنهادهای زیر را مطرح کرد:

۱. توسعه مفهوم «استثنای منافع عمومی» در تریپس؛
کشورها باید بتوانند در شرایط خاص، انتقال فناوری‌های انرژی پاک را بدون نقض قواعد انحصار، به دلایل بشردوستانه انجام دهند.^{۴۱}
۲. ایجاد صندوق بین‌المللی انتقال فناوری انرژی با مشارکت دولت‌ها، شرکت‌ها و نهادهای مالی بین‌المللی، برای تأمین مالی پروژه‌های انتقال دانش فنی در کشورهای در حال توسعه.^{۴۲}
۳. استفاده از مجوزهای اجباری (Compulsory Licensing)؛
دولت‌ها می‌توانند در موارد اضطراری زیست‌محیطی، مشابه بخش دارویی، مجوز تولید فناوری‌های انرژی تجدیدپذیر را بدون رضایت دارنده اختراع صادر کنند.^{۴۳}
۴. تقویت همکاری‌های جنوب-جنوب؛

^{۴۰}. امام خمینی، روح‌الله، تحریر الوسیله، ج ۱، قم، دارالعلم، ۱۳۶۸، ص ۵۴۲.

^{۴۱}. WTO Secretariat, Review of the TRIPS Agreement, Geneva, 2018.

^{۴۲}. UNDP, Technology Transfer for Sustainable Energy, 2020.

^{۴۳}. Matthews, D., Globalising Intellectual Property Rights, Routledge, 2016, p. 98.

کشورهای در حال توسعه می‌توانند از طریق اتحادهای منطقه‌ای (نظیر اوپک یا سازمان همکاری اسلامی) نظام بومی مالکیت فکری و انتقال فناوری را طراحی کنند تا از سلطه حقوقی شرکت‌های غربی بکاهند.^{۴۴}

۵. نهادهای سازمانی مسئولیت اخلاقی شرکت‌های فناوری؛

بر اساس اصول «مسئولیت اجتماعی شرکتها» (CSR) و اهداف توسعه پایدار، شرکت‌ها باید موظف به انتقال دانش در حوزه انرژی پاک شوند.^{۴۵}

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بر اساس تحلیل انجام‌شده، می‌توان گفت که «حق بر انرژی» امروزه یکی از مهم‌ترین و در عین حال مغفول‌مانده‌ترین مصادیق حقوق بشر است. این حق به لحاظ ماهوی، در پیوند مستقیم با سه نسل حقوق بشر قرار دارد: در نسل اول از حیث حق حیات و امنیت فردی، در نسل دوم از جهت تضمین عدالت اقتصادی و اجتماعی، و در نسل سوم از منظر حق بر توسعه و محیط زیست سالم. بنابراین، حق بر انرژی مفهومی میان‌رشته‌ای است که از مرزهای سنتی حقوق بشر، محیط زیست و توسعه فراتر می‌رود.

در عصر گذار انرژی و بحران اقلیمی، انرژی دیگر صرفاً کالایی اقتصادی نیست؛ بلکه عنصری تعیین‌کننده در تحقق عدالت بین‌المللی و حقوق بین‌نسلی است. با این حال، نظام کنونی مالکیت فکری و انحصار فناوری‌های انرژی‌های نو، در بسیاری موارد مانع تحقق این حق شده است. در حالی که هدف اعلامی نظام مالکیت فکری «ترویج نوآوری و رفاه عمومی» است، در عمل، تمرکز مالکیت اختراعات در دست چند شرکت بزرگ جهانی موجب "فقر فناوری" و تداوم وابستگی انرژی در کشورهای در حال توسعه گردیده است.^{۴۶}

از منظر حقوق بین‌الملل، ضرورت دارد میان حمایت از نوآوری فناورانه و تضمین عدالت انرژی توازن برقرار شود. این توازن نه تنها در متن موافقت‌نامه ترپیس (مواد ۷ و ۸) پیش‌بینی شده، بلکه در فلسفه وجودی حقوق بشر نیز مستتر

^{۴۴} Organization of Islamic Cooperation, Energy Cooperation Charter, 2019.

^{۴۵} OECD, Corporate Responsibility in the Energy Sector, 2021.

^{۴۶} Abbott, F.M., Innovation and Access to Clean Energy Technologies, ICTSD, Geneva, 2017, p. 52.

است. حقوق مالکیت فکری اگر در خدمت منافع عمومی و حق توسعه قرار گیرد، می‌تواند به گسترش دسترسی عادلانه به انرژی‌های پاک کمک کند؛ در غیر این صورت، به ابزاری برای نقض عدالت بین‌المللی بدل خواهد شد.^{۴۷} از دیدگاه فقه اسلامی نیز، منابع طبیعی از جمله انرژی، از مصادیق «انفال» و «اموال عمومی» هستند که بهره‌برداری از آن‌ها حق همه‌ی انسان‌هاست. انحصار تولید و توزیع انرژی در اختیار گروهی محدود، مغایر با اصل عدالت و قاعده‌ی «عدم اضرار به غیر» است. لذا، نظام فقهی اسلام در هماهنگی با اصول حقوق بشر معاصر، بر «دسترسی عمومی و عادلانه» به منابع انرژی تأکید دارد.^{۴۸}

ارائه برخی پیشنهاد‌های سیاستی و حقوقی

۱. تدوین «اعلامیه جهانی حق بر انرژی» در شورای حقوق بشر سازمان ملل؛
این سند می‌تواند همانند اعلامیه جهانی آب یا سلامت، حق بر انرژی را به عنوان حقی بشری و الزام‌آور برای دولت‌ها و شرکت‌ها تثبیت کند.^{۴۹}
۲. اصلاح موافقت‌نامه تریپس و گنجانیدن بند ویژه برای انتقال فناوری‌های انرژی پاک؛
همان‌گونه که «اعلامیه دوحه» در خصوص داروها نظام مالکیت فکری را متعادل ساخت، می‌توان «اعلامیه دوحه برای انرژی» را به عنوان سند مکمل تریپس تصویب کرد.^{۵۰}
۳. ایجاد صندوق بین‌المللی عدالت انرژی زیر نظر برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) و بانک جهانی، با هدف حمایت مالی از کشورهای فاقد فناوری انرژی پاک و تأمین منابع لازم برای انتقال فناوری.^{۵۱}
۴. نهادینه‌سازی «مسئولیت اجتماعی شرکت‌های انرژی»

^{۴۷} WTO, Agreement on TRIPS, 1994, Arts. 7–8.

^{۴۸} . محقق داماد، مصطفی، فقه و عدالت اجتماعی، تهران: سمت، ۱۳۹۸، ص ۱۰۴.

^{۴۹} Human Rights Council, Resolution on Human Rights and Access to Energy, UN Doc. A/HRC/47/L.10, 2021.

^{۵۰} WTO, Doha Declaration on TRIPS and Public Health, 2001.

^{۵۱} UNDP, Technology Transfer for Sustainable Energy, 2020.

شرکت‌های فعال در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر باید ملزم شوند در کنار سودآوری اقتصادی، انتقال فناوری و اشتراک دانش فنی را در کشورهای در حال توسعه تسهیل کنند) مطابق اصول مسئولیت اجتماعی شرکتها.^{۵۲}

۵. تدوین «منشور اسلامی انرژی و عدالت فناورانه ؛

در چارچوب سازمان همکاری اسلامی (OIC) یا اوپک، می‌توان سندی بومی تدوین کرد که ضمن رعایت موازین فقهی، عدالت در بهره‌مندی از انرژی و فناوری‌های نو را میان کشورهای مسلمان تضمین کند.^{۵۳}

سخن نهایی

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که «حق بر انرژی» در عصر حاضر نه صرفاً یک حق زیست‌محیطی، بلکه ستون فقرات عدالت جهانی است. تحقق این حق مستلزم آن است که نظام‌های حقوقی ملی و بین‌المللی از نگاه صرفاً اقتصادی به انرژی فاصله گرفته و آن را در چارچوب حقوق بشر، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی بازتعریف کنند. رعایت این حق، می‌تواند شکاف تاریخی میان «دارندگان فناوری» و «مصرف‌کنندگان وابسته» را کاهش داده و به سوی نظامی حرکت کند که در آن نوآوری فناورانه، در خدمت انسان و نه علیه او باشد.

منابع:

الف) فارسی

- امام خمینی، روح‌الله، (۱۳۶۸)، تحریر الوسیله، ج ۱، قم، دارالعلم
- طباطبایی، محمدحسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، قم، جامعه مدرسین
- درویش، محمدرضا، (۱۳۹۸)، حقوق مالکیت فکری و فناوری، انتشارات سمت
- موسوی، علی‌رضا، (۱۳۹۹)، حقوق بین‌الملل انرژی، انتشارات میزان

^{۵۲} OECD, Corporate Responsibility in the Energy Sector, 2021.

^{۵۳} OIC, Islamic Energy Cooperation Charter, 2019.

- موسوی بجنوردی، سیدمحمد، (۱۳۸۸)، قواعد فقه، ج ۴: لاضرر و لاضرار، قم، دارالفکر
- محقق داماد، مصطفی، (۱۳۹۷)، حقوق محیط زیست در فقه اسلامی، انتشارات سمت
- محقق داماد، مصطفی، (۱۳۹۸)، فقه و عدالت اجتماعی، تهران: سمت
- نادری، سیدمصطفی، (۱۴۰۱)، «حق بر انرژی پایدار در نظام حقوق بین الملل محیط زیست»، فصلنامه حقوق محیط زیست

(ب) انگلیسی

- Abbott, F.M.,(2017), Innovation and Access to Clean Energy Technologies: The TRIPS Agreement and Climate Change, ICTSD
- Beitz, C.,(2009) The Idea of Human Rights, Oxford Univ. Press
- Cranston, M.,(1973), What Are Human Rights?, Bodley Head
- Donnelly, J.,(2013) Universal Human Rights in Theory and Practice, Cornell Univ. Press
- Drahos, P.,(2017), Intellectual Property, Climate Change and Technology Transfer, Edward Elgar
- Kiss, A. & Shelton, D.,(2007),Guide to International Environmental Law, Brill
- Matthews, D.,(2016), Globalising Intellectual Property Rights, Routledge
- Morgera, E.,(2020), Energy Justice and Human Rights, Oxford Univ. Press
- Now rot, K.,(2021), Energy as a Human Right?, Human Rights Review, Vol. 22
- Nussbaum, M.,(2011), Creating Capabilities: The Human Development Approach, Harvard Univ. Press
- Sachs, J.D.,(2015), The Age of Sustainable Development, Columbia Univ. Press
- Sova cool, B.K.,(2013), Energy and Ethics: Justice and the Global Energy Challenge, Palgrave
- Vasak, K., (1977), Human Rights: A Thirty-Year Struggle, UNESCO Courier

- Human Rights Council, Resolution on Human Rights and Access to Energy, UN Doc. A/HRC/47/L.10, 2021
- International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, 1966
- Paris Agreement, 2015
- Organization of Islamic Cooperation, Energy Cooperation Charter, 2019
- OECD, Corporate Responsibility in the Energy Sector, 2021
- United Nations, Transforming Our World: The 2030 Agenda for Sustainable Development, UNGA Res. 70/1, 2015, Goal 7
- United Nations, Sustainable Development Goals Report, 2022
- UNDP, Human Development Report, 2020
- United Nations Framework Convention on Climate Change (UNFCCC), 1992
- United Nations, Declaration on the Right to Development, UNGA Res. 41/128, 1986
- Universal Declaration of Human Rights, 1948
- UNDP, Technology Transfer for Sustainable Energy, 2020
- WIPO, World Intellectual Property Indicators, 2021
- WTO, Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS), 1994
- World Commission on Environment and Development (WCED), Our Common Future, Oxford Univ. Press, 1987
- World Bank, Tracking SDG 7: Energy Progress Report, 2022
- WTO, Doha Declaration on TRIPS and Public Health, 2001
- WTO Secretariat, Review of the TRIPS Agreement, Geneva, 2018